

سخن سردیر

یکی از مباحث مهم در رفتار سازمانی «گروه» است. گروه دست کم از سه نفر تشکیل شده است. به دوفنر معمولاً یک زوج می‌گویند. تعداد اعضا موجب افزایش پیچیدگی و عدم اطمینان به روش مذاکره و احتمال متحد شدن دو نفر علیه نفر سوم است. گروه‌ها به گروه‌های رسمی و غیررسمی تقسیم می‌شوند. منشاء گروه‌های رسمی مقررات سازمانی است ولی منشاء گروه‌های غیررسمی میل و سلیقه‌های شخصی است. هر چه تعداد اعضای گروه افزایش یابد احتمال غیرفعال و بی تفاوت شدن اعضا نسبت به اهداف گروه افزایش خواهد یافت و فرصت مشارکت در بحث را ندارند. مقصد و هدف فردی اعضا متفاوت است ولی اعضای گروه درهدف عمومی گروه مشترک هستند. به همین دلیل لازم است برای بقای گروه همیشه هدف‌های مشترک جدیدی خلق شود تا همبستگی گروهی حفظ گردد. تامین سلسله مراتب نیازهای انسان از دلایل اصلی پیوستن فرد به گروه است. گروه منبع تامین نیازهای ح یاتی، امنیتی، تعلق گروهی، احترام منهای نیاز به خودیابی (خودشکوفائی) است.

مردم نیاز به خودیابی دارند ولی نیاز به خودیابی¹ با چهار نیاز قبلی متفاوت است. چهار نیاز قبلی را به دلیل این که انسان‌ها با اتکا به دیگران به دست می‌آورند و تامین می‌کنند نیازهای غیرموثر ولی نیاز به خودیابی را یک نیاز بودن و موثر می‌نامند. این بدان معنا است که انسان‌ها تلاش می‌کنند همه آن چیزی باشند که می‌توانند باشند و به بهترین کیفیت زندگی کنند. آماده‌اند که به طور خودگردان زندگی کنند و به صورت مستقل در جستجوی توانائی‌های خود باشند. تنها توجهی به گروه و پاسخی به نیازهای غیرموثر آن ندارند بلکه دنبال گروه‌هایی هستند که نهایت وحدت خود را بیان و حفظ می‌کنند ولی متأسفانه عدم مزایای گروه اجازه یک چنین پیشرفتی را به فرد نمی‌دهد. از جمله این موانع می‌توان از: پرهیز از اختلاف نظر تمایل به رسیدن به توافق سریع و مورد نظر، تبعیت از رهبری گروه، تاثیر محبوبیت بر نظر به معنای این که اعضای گروه نظر فردی را که محبوب‌تر است بیشتر می‌پسندند، سلطه یک عضو گروه بر موضوع مورد بحث بلکه گروه، تکیه بیش از حد برای انجام دادن کار روی دیگران، نیاز به زمان و صبر بیشتر برای کارکردن در گروه نام برد. ضمن این که بسیاری از نیازها و اهدافی را که افراد با خود به گروه می‌آورند ممکن است خارج از ظرفیت و هدف‌های گروه باشد. لذا اختلاف میان فرد و گروه و اهداف گروهی دلیل اصلی دیگری در عدم ارضای نیاز به خودیابی در گروه است و این که چرا برخی از گروه‌ها نمی‌توانند از زمین‌کننده شوند بیانگر یک واقعیت است و آن واقعیت عبارت است از این که یک قدرت احساسی² در فعالیت گروهی و پویائی آن دخالت دارد. احساسات بر فضای گروه حاکم است و تغییر ادراک گروه نیز امری بسیار دشوار غیرممکن است.

البته گروه از مزایائی همچون: منابع اطلاعاتی زیادتر، روش‌های حل مسائل بیشتر، یادگیری سریع‌تر، پیشرفت در طرح ایده‌های جامع، مشارکت در تصمیم‌گیری و آشنائی با یکدیگر نیز برخوردار است ولی این مزایا هم موجب ارضای نیاز به خودیابی انسان به دلائلی که بر شمرده شد نیست و این راه را به تنهایی باید پیمود.

¹ - Self actualization

² - Emotional Power